



بررسی تحلیلی سوء نیت عام در پرتو اجزای عنصر مادی جرم

محمد طارق وامق^۱

استاد پوهنچی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون جامی، هرات - افغانستان

چکیده

حقوق دانان کیفری در تألیفات خود، بابتی را به درجات سوء نیت اختصاص داده و موضوعاتی چند را ذیل آن مطرح نموده. آنچه از عبارت (درجات) به ذهن متبادر می شود. تقسیم سوء نیت بر اساس شدت و ضعف است؛ اما با کمی تأمل در مصادیق درجات نیت مجرمانه، می توان دریافت که نیت مجرمانه اصولاً فاقد شدت و ضعف است. آنچه به عنوان سؤال در این تحقیق مطرح می شود این است که منظور از سوء نیت مجرمانه عام در حقوق کیفری چیست؟ نویسنده بر این باور است که منظور از سوء نیت مجرمانه عام در حقوق کیفری، نیت مرتکب به رفتار ارتكابی آن محسوب می گردد. این تحقیق به هدف شناسایی قصد مجرمانه عام و جایگاه آن در مسئولیت جزایی مرتکبین اعمال مجرم انجام شده است و تلاش دارد قصد عام را به عنوان یکی از اجزای عنصر مادی جرم مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و با ابزارهای کتابخانه ای، فصلنامه ها و مقالات استفاده شده است. به صورت کلی می توان اذعان داشت که قصد مجرمانه عام یا همان قصد رفتار مجرمانه یکی از شاخصه های اساسی و مهم در جرائم عمدی است و بدون آن تحقق جرم عمدی منتفی است. از طرف دیگر در برخی از تقسیم بندی ها نیز آنچه مورد

تعریف قرار می‌گیرد، نه نیت مجرمانه و بلکه حالت ذهنی ضعیف‌تر از نیت است که در حقیقت داخل در خطای جزایی است و یا به دلایلی در حکم نیت مجرمانه قرار گرفته است. **واژه‌گان کلیدی:** حقوق کیفری، رضایت، قصد، نیت مجرمانه، مجرم.

Analytical Examination of General Malice Aforethought in Light of the Elements of Material Element of Crime

Mohammad Tariq Wamiq¹

the Faculty of Law and Political Sciences, Jami University, Herat -
Afghanistan

Abstract

Criminal law scholars have assigned a chapter to the degrees of malice in their writings and have addressed several topics under it. What comes to mind from the expression "degrees" is the division of malice based on intensity and weakness. However, with a little reflection on the examples of criminal intent, it can be understood that criminal intent is essentially devoid of intensity and weakness. The question raised in this study is: what is meant by general criminal malice in criminal law? The author believes that general criminal malice in criminal law refers to the perpetrator's intent to commit the act. This research aims to identify general criminal intent and its position in the criminal liability of offenders and seeks to examine general intent as one of the elements of the material element of the crime. This research uses a descriptive-analytical method and relies on library tools, journals, and articles. In general, it can be acknowledged that general criminal intent or the intent to engage in criminal behavior is one of the fundamental and important characteristics of intentional crimes, and without it, the realization of intentional crime is negated. On the other hand, in some classifications, what is defined is not criminal intent but rather a weaker mental state than intent, which is actually included in the realm of criminal mistake, or for certain reasons, it has been classified under criminal intent.

Keywords: Criminal Law, Consent, Intention, Criminal Intent, Offender

مقدمه

زمانی به مسأله نیت مجرمانه عام پرداخته می‌شود، اینکه نیت مجرمانه به اجزاء عنصر مادی جرم، به رفتار مرتکب و موضوع جرم تعلق می‌گیرد و وجود نیت مجرمانه مرتکب نسبت به رفتار ارتكابی او تجلی سوءنیت عام محسوب می‌گردد. مسأله سوءنیت عام را در همه جرائم عمدی و شبه‌عمدی به جز جرائم غیر عمدی (خطایی) می‌توان مشاهده نمود؛ لذا به گونه‌ای صریح می‌توان گفت در جرایمی که سوءنیت عام نباشد آن جرم در لیست جرائم عمدی به شمار نمی‌رود. در نهایت این که سوءنیت عام که همان علم اراده مرتکب نسبت به رفتار مجرمانه است باید در تمامی جرائم اعم از فعل و یا ترک فعل موجود باشد. مسأله‌ای که مطرح است این که آیا صرف انجام فعل از جانب مرتکب باعث تشکیل سوءنیت عام خواهد شد و یا اینکه علم به موضوع جرم نیز برای تحقق آن لازم است. موضوع دیگر این که تمام جرایمی که نیاز به سوءنیت خاص ندارند، نمی‌توان به عنوان یک قاعده از تشکیل عنصر روانی جرم با سوءنیت عام سخن گفت.

مسأله سوءنیت یا قصد مجرمانه از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و به معنای خواستن فعل یا ترک فعل است که مخالف اوامر و نواهی قانون‌گذار باشد طوری که گفته می‌توانیم که برای صدق عنوان مجرمانه بر فعل یا ترک فعل علاوه بر عنصر قانونی و مادی نیازمند به عنصر معنوی نیز است. چرا که هر عملی بدون اراده و قصد مجرمانه؛ بودنش منتفی خواهد شد. به علت فقدان عنصر معنوی عمل ارتكابی حتی در جرائم مادی صرف نیز قانون‌گذار عنصر معنوی را لحاظ کرده است؛ لذا اراده در تمام جرائم اعم از عمدی و غیرعمدی حتی در جرائم اخلاقی نیز وجود دارد؛ اما آنچه مهم است، این می‌باشد که میزان و سیطره مجرم بر عنصر مادی در عنصر روانی چقدر بوده است؟ اگر اراده و قصد مرتکب به فعل و نتیجه تعلق بگیرد قصد مجرمانه و سوءنیت خواهد شد و اما اگر اراده مرتکب تنها به فعل تعلق بگیرد و نتیجه مقصودش نباشد؛ خطای کیفری محسوب خواهد شد. سوءنیت دارای در دو شکل تجلی پیدا می‌کند. اول: قصد یا سوءنیت عام؛ عبارت از اراده آگاه عامل در ارتكاب جرم است؛ دوم: قصد یا سوءنیت خاص؛ از اراده آگاه نسبت به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم است.

آنچه به عنوان سؤال در این تحقیق مطرح می‌شود این است که منظور از سوءنیت مجرمانه عام در حقوق کیفری چیست؟ و این که آیا به صرف انجام فعل از جانب مرتکب



سوءنیت عام تشکیل می‌شود؟ و این‌که علم به موضوع جرم نیز برای تحقق آن لازم است؟ فرض بر این است که منظور از سوءنیت مجرمانه عام در حقوق کیفری، نیت مرتکب به رفتار ارتكابی آن محسوب می‌گردد و همین‌طور لازم است که میان رفتارهای ارادی و رفتارهایی که با سوءنیت عام توأم است تفکیک قائل شد؛ بدین صورت که به صرف انجام فعل مرتکب، سوءنیت عام تشکیل نخواهد شد؛ بلکه علم به موضوع جرم در آن الزامی به نظر می‌رسد.

از مهم‌ترین اهداف تحقیق در قدم نخست تبیین مفهوم سوءنیت عام در عرصه حقوق کیفری و همین‌طور شناسایی اجزای تشکیل‌دهنده سوءنیت عام و شناسایی رابطه سوءنیت عام به صرف انجام فعل با علم به موضوع جرم می‌باشد. به عنوان پیشینه تحقیق می‌توان گفت که تاکنون تحقیقی تحت این عنوان در افغانستان کار نشده و یا این‌که در دسترس نبوده است. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و با ابزارهای کتابخانه‌ای، فصلنامه‌ها و مقالات استفاده شده است.

در نهایت به عنوان یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان داشت که سوءنیت عام در همه جرائم عمدی وجود دارد و اصولاً ناظر بر همین جرائم است و در جرائم خطایی اثری از آن نمی‌توان یافت. استثناء در جرائم موسوم به شبه عمد که از اقسام جرائم غیر عمد می‌باشند، سوءنیت عام وجود دارد. وجه تسمیه این نوع از جرائم به «شبه عمد» و وجه اشتراک آن با جرائم عمدی نیز داشتن همین سوءنیت عام است؛ زیرا هم در جرم عمدی و شبه عمدی، مرتکب قصد ارتكاب رفتار بر موضوع جرم را دارد. لذا می‌توان گفت: هرگاه در جرمی سوءنیت عام نباشد، آن جرم در زمره‌ی جرائم عمدی قرار نمی‌گیرد.

سوءنیت مجرمانه عام

اولین تقسیم‌بندی که می‌توان در مورد نیت مجرمانه ارائه نمود، تقسیم‌بندی بر اساس تعلق نیت مجرمانه به اجزاء مختلف عنصر مادی جرم است. بر این اساس نیت مجرمانه را می‌توان به نیت مجرمانه عام و نیت مجرمانه خاص تقسیم‌بندی نمود. نیت مجرمانه عام از میان اجزاء عنصر مادی جرم، به رفتار مرتکب و موضوع جرم تعلق می‌گیرد و نیت مجرمانه خاص تنها نتیجه مجرمانه را در بر می‌گیرد. در این نوشته تمرکز نویسنده روی نیت مجرمانه عام می‌باشد. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۱: ۵)

مراد از سوءنیت عام، وجود نیت مجرمانه مرتکب، نسبت به رفتار ارتكابی اوست (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۸۳). آنچه که از مرتکب سر می‌زند، تنها همین رفتار مجرمانه است و سوءنیت عام رابطه ذهنی مرتکب و حلقه اتصال روانی او به همین رفتار است. سوءنیت عام در همه جرائم عمدی وجود دارد و اصولاً نیز ناظر بر همین جرائم است و در جرائم خطایی اثری از آن نمی‌توان یافت. استثناء در جرائم موسوم به شبه عمد که از اقسام جرائم غیر عمد می‌باشند، سوءنیت عام وجود دارد. وجه تسمیه این نوع از جرائم به «شبه عمد» و وجه اشتراک آن با جرائم عمدی نیز داشتن همین سوءنیت عام است؛ زیرا همه در جرم عمدی و هم شبه عمدی، مرتکب قصد ارتكاب رفتار بر موضوع جرم را دارد؛ لذا می‌توان گفت: هرگاه در جرمی سوءنیت عام نباشد، آن جرم در زمره‌ی جرائم عمدی قرار نمی‌گیرد؛ ولی در صورتی که سوءنیت عام در جرمی محقق باشد، لزوماً به معنای عمدی بودن آن جرم نیست. به هر حال سوءنیت عام که همان علم و اراده‌ی مرتکب نسبت به رفتار مجرمانه است، باید در تمامی رفتارهای شناخته شده برای جرائم اعم از فعل و ترک فعل موجود باشد و البته بدیهی است که با توجه به تفاوت نوع رفتارهای مذکور، سوءنیت عام نیز نسبت به آن‌ها حالتی متفاوت می‌یابد. در جرائم فعلی، اراده آگاه مرتکب به تحقق رفتار، تشکیل دهنده سوءنیت عام است؛ مانند آن‌که سارق با علم به تعلق مال به دیگری، مبادرت به ربودن آن نماید. در جرائم موسوم به ترک فعل نیز همین که اراده‌ی آگاه مرتکب بر منع از ارتكاب رفتار تعلق گیرد، وی را باید واجد سوءنیت عام دانست؛ مانند شوهری که نفقه زن خود را نداده و این عدم پرداخت ناشی از خواست وی باشد (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱، ۲۴۲).

عناصر تشکیل دهنده سوءنیت عام

۱- نکته‌ی که باید بررسی گردد در مورد عناصر تشکیل دهنده سوءنیت عام است. آیا صرف انجام فعل از جانب مرتکب باعث تشکیل سوءنیت عام خواهد شد و یا این که علم به موضوع جرم نیز برای تحقق آن لازم است؟ برای مثال در جریان یک قتل، آیا صرف انجام آگاهانه و از روی اراده‌ی تیراندازی، سوءنیت عام را محقق می‌کند و یا علم به وجود یک انسان زنده و تیراندازی به سوی وی نیز لازم است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال، باید بین رفتارهای ارادی و رفتارهای توأم با سوءنیت عام قائل به تفکیک شد. بدون شک تیراندازی،

صحنه‌سازی و مانند آن اگر از روی اراده انجام گیرد، رفتارهایی ارادی هستند؛ اما این امر به معنای وجود سوءنیت عام نیست. هرچند وجود یک رفتار ارادی شرط لازم برای تحقق هر جرمی است، اما در جرائم عمدی و برای تحقق سوءنیت عام، قصد ارتکاب رفتار کافی نبوده و نیاز به علم به موضوع جرم و انصراف اراده‌ی مرتکب به آن است. با این توضیح که مثلاً در جرم قتل عمدی، صرف ارتکاب ارادی تیراندازی کافی نیست و لازم است که مرتکب، تیراندازی را روی مجنی علیه اراده کند تا قصد فعل (یا همان سوءنیت عام) محقق شود (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۳۸).

دقت در جرائم غیر عمدی نشان می‌دهد که قصد ارتکاب فعل در آن‌ها نیز باید موجود باشد و الانمی‌توان از تحقق جرم سخن گفت. در جرائم موسوم به خطای محض، که هم قصد فعل و هم قصد نتیجه منتفی است، منظور از فعل، نفس رفتار ارتكابی جانی نیست؛ بلکه رفتاری است که روی مجنی علیه اراده می‌شود و الا در صورتی که جانی قصد رفتار ابتدایی را نیز نداشته باشد، صحبت از ارتکاب قتل عمد و هر نوع قتل ارادی دیگری فاقد معنا خواهد بود؛ لذا در حالتی که جانی قصد تیراندازی به حیوانی را دارد و تیر او به انسانی اصابت می‌کند، سوءنیت عام یعنی قصد تیراندازی به انسان منتفی است؛ هرچند برای تحقق قتل خطایی قصد تیراندازی ابتدایی به حیوان در مثال فوق لازم است و الا حتی قتل خطایی نیز روی نخواهد داد (باهری، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

به عنوان نتیجه می‌توان گفت که در تمامی جرائم اعم از عمدی و غیر عمدی، ارتکاب رفتاری اداری از مرتکب جرم، لازم و ضروری است و چون این رفتار از اراده‌ی او نشأت می‌گیرد، لاجرم آگاهانه بوده و می‌توان آن را عمدی دانست. لذا هم در قتل عمدی و هم قتل غیر عمدی ناشی از تیراندازی، شلیک ارادی تیراندازی لازم است و در قتل‌های ناشی از تصادفات رانندگی، انجام رانندگی ارادی لازم و ضروری است. این وضعیت روانی که پایه سوءنیت عام است، در صورتی که با علم به موضوع جرم تلافی کرده و اراده مرتکب را منصرف به آن نماید، سوءنیت عام را تشکیل می‌دهد و درست در همین نقطه است که راه جرائم عمدی از غیر عمدی جدا می‌شود. در جرائم غیر عمدی هر چند قصد ارتکاب رفتار ابتدایی هست، اما علم به موضوع جرم و قصد انجام رفتار بر آن مفقود است؛ حال آن‌که در جرائم عمدی، اراده مرتکب، عالماً به موضوع جرم منصرف شده و رفتار را بر آن



وارد می‌سازد. لذا بهتر است که از سوءنیت عام به قصد فعل به موضوع جرم، و نه قصد فعل به صورت مطلق، تعبیر نماییم. بدیهی است که وجود نیت مجرمانه، منوط به علم مرتکب به موضوع است؛ زیرا مرتکب قرار است رفتار مجرمانه‌ی خود را بر موضوع جرم واقع سازد و تا علم به وجود آن (و یا قصد آن) نباشد، منطقاً نمی‌توان وی را قاصد دانست (پاد، ۱۳۸۵: ۸۹). قتل شبه عمد مطابق تعریف قتلی است که مرتکب قصد فعل دارد، ولی فاقد قصد نتیجه است؛ بر خلاف قتل خطای محض که قصد فعل نیز در آن منتفی است. دقت در تعریف قتل خطای محض نیز نشان‌گر آن است که در این نوع قتل نیز مرتکب نوعی فعل عمدی انجام می‌دهد. برای مثال در تصادفات رانندگی عمل به راه انداختن و راندن موتور عمدی و ارادی است. یا مرتکبی که بر پرنده‌ای آتش گشوده و بر انسانی می‌زند در شلیک به پرنده عمد است (کتابی، ۱۳۴۲: ۱۳۶).

با کمی دقت می‌توان دریافت که مراد از قصد فعل، صرف قصد انجام فعل ابتدایی نیست؛ بلکه مراد قصد کردن فعل است که بر موضوع جرم (انسان زنده) واقع می‌شود. در قتل شبه عمدی قاتل قصد فعل واقع شده بر انسان را دارد و لذا مرتکب، هم باید به تیراندازی خود و هم به تیراندازی به انسان عالم باشد. حال آن‌که در خطای محض هر چند مرتکب بر تیراندازی عالم است، ولی بر وقوع آن بر انسان جاهل بوده و لذا قصد فعل واقع شده بر قربانی را ندارد (آقایی نیا، ۱۳۸۴: ۱۷۴)؛ و صرف عمد در تیراندازی، بدون علم به وجود انسانی زنده، قصد فعل را محقق نخواهد کرد. مؤید این امر آن است که در قتل خطایی، مرتکب به علت همین عدم قصد فعل، از لحاظ منطقی نمی‌تواند قصد نتیجه کند؛ حال آن‌که در شبه عمد این امر منتفی نبوده و همین عمد قصد، فارق بین قتل شبه عمد و قتل عمدی است. پس در خطا امکان قصد نتیجه منتفی است؛ در حالی که در شبه عمد امکان آن همیشه وجود دارد. با اعمال این ضابطه خطایی بودن قتل مزبور آشکار خواهد شد. آیا کسی که به زعم خود قصد تیراندازی به یک حیوان را دارد، ممکن است قصد کشتن یک انسان را داشته باشد؟ پاسخ بی‌گمان منفی است و همین امر نشان‌گر خطای بودن قتل است (پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۶۳).

۲- نکته دیگری که در بحث سوءنیت عام مطرح می‌شود، این است که در تمامی جرایمی که نیاز به سوءنیت خاص ندارند، نمی‌توان به عنوان یک قاعده از تشکیل عنصر روانی جرم با سوءنیت عام سخن گفت؛ زیرا ممکن است قانون‌گذار اوضاع و احوال و شرایطی را نیز

برای تحقق جرم در نظر بگیرد که در آن صورت برای وجود عمد جزایی، سوءنیت عام باید با عمل به آن شرایط نیز توأم شود؛ به عبارت دیگر، در این نوع جرائم، سوءنیت عام مساوی با سوءنیت جرم نیست؛ بلکه علم مرتکب نیز در صورت قرین شدن با سوءنیت عام، عنصر روانی جرم را تشکیل می‌دهد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

با توجه به رابطه بین سوءنیت عام با رفتار مجرمانه، سوءنیت عام نیز بر حسب نوع رفتار ارتكابی حالتهای متفاوت به خود می‌گیرد. در جرائم عمدی مستمر که رفتار مجرمانه مرتکب در طول زمان و بدون انقطاع ادامه دارد، سوءنیت عام باید در تمامی این لحظات موجود بوده و ادامه یابد و هرگاه در خلال این زمان، سوءنیت عام منتهی شود، جرم نیز زایل خواهد شد. برای مثال در جرم پوشیدن لباس مأمورین نظامی و انتظامی، مرتکب از لحظه پوشیدن تا در آوردن لباس‌های نظامی، مستمراً رفتار خود را ادامه می‌دهد و علم و اراده‌ی او نیز باید در تمامی این لحظات موجود باشد؛ زیرا رفتار مجرمانه مستمر نیاز به سوءنیت عام مستمر نیز دارد. نتیجه آنکه، هرگاه مرتکب مثلاً ساعاتی پس از پوشیدن لباس‌ها، به گمان خود مبادرت به در آوردن آن‌ها نماید و حال آن‌که لباس نظامی دیگری را اشتباهاً پوشیده باشد، از آن زمان به بعد واجد سوءنیت عام نخواهد بود (زراعت، ۱۳۸۵: ۱، ۱۸۲).

جرائم مرکب نیز به دلیل تعدد رفتار مجرمانه در عنصر مادی آن‌ها، نیازمند بررسی بیشتری هستند. روشن است که با توجه به لزوم وجود سوءنیت در رفتار مجرمانه، در این نوع جرائم نیز سوءنیت عام باید در یکایک رفتارهای ارتكابی جرم مرکب موجود باشد. تا بتوان جرم را عمدی دانست. در کلاه‌برداری به عنوان بارزترین مصداق از این نوع جرائم، سوءنیت عام مرتکب باید در هر دو جزء این جرم یعنی صحنه‌سازی متقلبانه و بردن مال دیگری محقق باشد تا بتوان جرم تام کلاه‌برداری را محقق دانست. در نتیجه فردی که با علم و اراده مبادرت به توسل به وسایل متقلبانه می‌نماید، ولی در حالت مستی و مسلوب‌الاراده بودن، مال را از مال‌باخته می‌گیرد، نمی‌توان کلاه‌برداری دانست. هم‌چنین در صورتی که در جریان یک تبانی که قرار بر انجام صحنه‌سازی توسط الف و بردن مال توسط ب باشد، یکی از آن‌ها رفتار مختص به خود را در حالتی فاقد اراده و علم انجام دهد که در این جا نیز کلاه‌برداری تام و شرکت در آن منتهی است (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

مطالب بیان شده در مورد جرائم مرکب، در جرائم به عادت نیز قابل تصور و تأیید است. در حقیقت در این نوع جرائم که قانون‌گذار تحقق نوعی عادت را در مرتکب شرط تحقق



جرم می‌داند (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱، ۱۶۷). در تمامی رفتارهای متعدد تشکیل دهنده این عادت باید سوءنیت عام وجود داشته باشد؛ لذا در فرضی که برای مثال دو یا سه بار گدایی نمودن را برای تحقق جرم تکدی‌گری لازم بدانیم، در تمامی این دفعات، سوءنیت عام مرتکب که همان اراده آگاه او به انجام گدایی است، باید موجود باشد. تنها تفاوت جرائم به عادت با جرائم مرکب از نظر سوءنیت عام در این است که در جرائم به عادت با توجه به یکسان بودن رفتارهای متعدد، سوءنیت عام نیز در مورد هر کدام از رفتارها یکسان است؛ حال آن‌که در جرائم مرکب نظر به تفاوت عناصر مختلف تشکیل دهنده رفتار مجرمانه، علم و اراده مرتکب نیز حالتی متفاوت در برخورد با این عناصر به خود می‌گیرد (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۸۳).

اما سوءنیت عام در جرائم مرکب و به عادت با جرائم مستمر تفاوت عمده دارد و آن این‌که در جرائم مستمر همان‌طور که بیان شد، با توجه به استمرار رفتار مجرمانه در زمان، سوءنیت عام نیز باید در طول زمان مداوماً موجود باشد. حال آن‌که این شرط در جرائم مرکب و به عادت لازم نیست و در این جرائم وجود سوءنیت عام تنها در لحظه ارتکاب رفتارها لازم است؛ بدون آن‌که نیازی به وجود این امر در خلال آن‌ها باشد؛ لذا در جرائم کلاه‌برداری و تکدی‌گری گر بین رفتار اول و دوم مرتکب چند روز نیز فاصله باشد، لازم نیست در خلال این دو رفتار نیز مرتکب قصد ارتکاب آن‌ها را داشته باشد، حتی اگر مدتی رفتار اولیه خود را فراموش کند و سپس با یادآوری آن مرتکب رفتار دوم شود، سوءنیت را باید محقق دانست. در حقیقت، در جرائم مرکب و به عادت چون رفتار در طول زمان دوام ندارد، نیت مرتکب نیز نمی‌تواند دوام داشته باشد؛ زیرا وجود نیت مجرمانه منوط به وجود رفتار مجرمانه و مربوط به آن است و در این نوع از جرائم، در خلال رفتارهای ارتكابی، رفتاری وجود ندارد تا نیتی را بتوان تصور نمود. لذا صحبت از علم و اراده در خلال رفتارهای متعدد نوعی مسامحه در رفتار است؛ بر خلاف جرائم مستمر که چون رفتار ادامه دارد، تصور علم و اراده مرتکب نسبت به آن رفتار ممکن می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱، ۲۴۲).

نتیجه‌گیری

نتیجه مجرمانه نیازمند تعلق عنصر روانی در جرائم عمدی است. این مورد نیز می‌تواند به سه صورت علم، قصد و رضایت صورت پذیرد. در حالت قصد خواست مرتکب رسیدن به نتیجه است و صرف همین مطلب کافی است و قصد نوع خاصی از نتیجه تأثیری در تحقق عنصر روان ندارد. مراد از قصد نتیجه نیز انتخاب نتیجه است.

علم به تحقق نتیجه نیز به معنای آگاهی مرتکب یک رفتار ارادی از این امر است که رفتار او منجر به یک نتیجه مجرمانه خواهد شد؛ هرچند حصول آن نتیجه مورد رضایت وی نبوده و خواست وی نیز به تحقق آن تعلق نگرفته باشد. موضوع علم به تحقق نتیجه در دو جنبه مورد بررسی قرار گرفته است. حالتی که علم چهره‌اثباتی و احراز دارد و فایده آن در احراز قصد آشکار می‌شود. بدین معنا فردی که از تحقق یک نتیجه بر رفتار خود آگاه باشد، ظاهراً آن رفتار مورد خواست بوده و آن را قصد کرده است. در این حالت نیت مجرمانه تنها در معنای خواست تحقق نتیجه مورد پذیرش است و کار علم چیزی بیش از احراز این خواست نیست.

اما علاوه بر این حالت، در نظر مختار این رساله علم نقشی ماهوی و ثبوتی نیز دارد. در این حالت صرف علم به تحقق نتیجه، خود حالتی است که نیت مجرمانه را محقق می‌سازد؛ بدون آن که نیازی به احراز خواست تحقق نتیجه باشد؛ به عبارت دیگر، در این حالت نیت مجرمانه هم در حالت خواست نتیجه و هم آگاهی از حصول آن محقق می‌گردد و این دو هر کدام به صورت جداگانه نیت مجرمانه را محقق می‌سازند؛ اما مراد از علم به تحقق نتیجه نه علم و یقین قطعی و فلسفی و بلکه علم در روند عادی امور است. با این حال، بی احتیاطی و مانند آن این امر را محقق نمی‌سازد؛ زیرا فرد بی احتیاط عالم و آگاه محسوب نمی‌گردد.

رضایت به تحقق نتیجه سومین حالتی است که نیت مجرمانه نسبت به نتیجه را محقق می‌سازد. در این حالت مرتکب بدون آن که خواهان تحقق نتیجه باشد یا حتی به تحقق آن آگاه باشد، نسبت به حصول پیامدی از نتیجه راضی است و از تحقق آن گریزان نیست. در این حالت حتی ممکن است فرد به عدم تحقق نتیجه نیز راضی باشد؛ بدین معنا که تحقق یا عدم تحقق نتیجه هر دو مطلوب وی باشد. در این حالت نیز می‌توان نیت مجرمانه را محقق دانست.

منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات میزان.
۲. آقایبی جنت مکان، حسین. (۱۳۹۱). حقوق کیفری عمومی. تهران: انتشارات جنگل.
۳. آقایبی نیا، حسین. (۱۳۸۴). جرائم علیه اشخاص (جنایات). تهران: انتشارات میزان.
۴. باهری، محمد. (۱۳۸۱). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات رهام.
۵. یاد، ابراهیم. (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی (جرائم نسبت به اشخاص). تهران: انتشارات دانشور.
۶. پوربافرانی، حسن. (۱۳۸۸). جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی). تهران: انتشارات جنگل.
۷. زراعت، عباس. (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات جنگل.
۸. صانعی، پرویز. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات طرح نو.
۹. کتابی، محمد علی. (۱۳۴۲). بحث تطبیقی راجع به عمد و خطا و آثار آن‌ها در حقوق جزایی. رساله دکتری پوهنتون تهران.
۱۰. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴). بایسته حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات میزان.
۱۱. محسنی، مرتضی. (۱۳۷۶). دوره حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۲. میر محمد صادقی. حسین. (۱۳۸۶). جرائم علی اشخاص. تهران: انتشارات میزان.

